بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 25 بهمن 1394.

25/ 11/ 94 تکمله ای بر بحث علی بن حدید

تکمله ای بر بحث علی بن حدید

کلام مجلسی در روضه المتقین

در تکمیل بحث دیروز در مورد علی بن حدید به اقوال رجالیون متأخر می پردازیم. مرحوم مجلسی اول در روضه المتقین به اعتبار دو روایتی که در رجال کشّی آمده و در جلسه قبل ذکر کردیم، مدح علی بن حدید را ترجیح داده ، است. ایشان می فرماید: و روی الکشی خبرین یدل علی مدحه و ضعفه الشیخ أیضا فالتوقف فی أمره أولی إن لم نرجح الخبرین القویین و الظاهر ترجیحهما، بل الظاهر أن سبب الذم الخبر أن لاشتمالهما علی ذم أصحاب هشام بن الحکم و یونس بن عبد الرحمن و الله تعالی یعلم[[1]](#footnote-1).

به نظر می رسد عبارت (الخبر أن) اشتباه باشد و عبارت صحیح (الخبران) است یعنی سبب ذم علی بن حدید، آن دو خبر کشی است به خاطر اشتمال دو خبر بر ذم اصحاب هشام و یونس. کأنه ایشان می گوید که چون اصحاب هشام و یونس را ذم می کرده است، آنها هم او را تضعیف کرده اند.

کلام مرحوم خواجوئی

در مورد علی بن حدید در دو کتاب رجالی بحث قابل توجهی شده است. یکی در رسائل رجالیه مرحوم خواجوئی که اجمال آن را در رسائل فقهی اش ذکر کرده است. در رسائل فقهیه خواجوئی می فرماید: از ترجمه یونس بن عبدالرحمن نهایه اعتباره بقوله و فعله و انه عاقل عارف ذو دین استفاده می شود[[2]](#footnote-2). در فوائد رجالیه این مطلب را بیشتر توضیح داده است. عبارتی از کشی نقل می کند در ترجمه یونس بن عبدالرحمن عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقُتَیْبِیُّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ قَالَ، کَانَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی تَابَ وَ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْ وَقِیعَتِهِ فِی یُونُسَ لِرُؤْیَا رَءَاهَا، وَ قَدْ کَانَ عَلِیُّ بْنُ حَدِیدٍ یَظْهَرُ فِی الْبَاطِنِ الْمِیلَ إِلَی یُونُسَ وَ هِشَام رحمهم الله

ایشان می گوید و فیه من الدلالة علی جلالة قدره و دیانته و اعتباره فیهم قولا و فعلا ما لا یخفی، و الطریق صحیح؛ لأنّ علی بن محمّد بن قتیبة تلمیذ الفضل النیسابوری، علیه اعتمد أبو عمرو الکشی فی کتاب الرجال.

بعد یک عبارت دیگری از رجال کشّی می آورند و می گویند: فهذا و نحوه یدل علی اعتباره فی قوله و فعله[[3]](#footnote-3)

کلام سید بحرالعلوم

این مطلب در کلام سید بحرالعلوم مفصل تر مورد بررسی قرار گرفته است. سید بحر العلوم در الفوائد الرجالیه[[4]](#footnote-4) اشاره می کنند به اینکه مرحوم شیخ در دو کتاب اخبار یعنی تهذیب و استبصار، علی بن حدید را تضعیف کرده

است ولی در کتاب های رجالی هیچ کس دیگری تضعیف نکرده است. و کتاب های رجالی که اسم علی بن حدید آمده و تضعیف نشده است را ذکر می کند. بعد می فرماید: و روی الکشی فیه عدة اخبار تشیر الی اعتباره و سلامة مذهبه: بعد همان روایت سابق یعنی روایت أبی علی بن راشد از امام جواد (ع) را ذکر می کند و می فرماید: و لیس فی الطریق من یتوقف فیه إلا علی بن محمد، و هو علی بن محمد بن قتیبة النیسابوری. و قال النجاشی- رحمه اللّه-: «علیه اعتمد ابو عمرو الکشی فی کتاب الرجال، و هو ابو الحسن صاحب الفضل بن شاذان و روایة کتبه، و در مقام تصحیح علی بن محمد بن قتیبه بر آمده است. البته اینکه ایشان علی بن محمد در این سند را علی بن محمد قتیبه گرفته هیچ وجهی ندارد. علی بن محمدی که در رجال کشی وارد شده است و از احمد بن محمد بن عیسی نقل می کند، علی بن محمد بن یزید القمّی الفیروزانی یا الفیروزان است. که در جاهای دیگر مکرار به همین سند ذکر شده است. و این مقداری که فحص کردیم قرینه ای بر توثیق این راوی پیدا نکردیم. البته به راهی برای توثیق او اشاره می کنیم.

بعد ایشان در ادامه عبارت های کشی را می آورند. در توضیح عبارت های مرحوم کشی باید گفت که ایشان شرح حال مفصلی از یونس بن عبدالرحمن آورده اند روایت های زیادی در مدح و ذم یونس و از جمله همین روایت علی بن حدید که گفته است که لا تصلّ خلفه و لا خلف اصحابه. بعد مرحوم کشی عبارت فضل بن شاذان را که می گوید: علی بن حدید در باطن به یونس و هشام تمایل نشان می داد ذکر می کنند.

و بعد می گویند: فَلْیَنْظُرِ النَّاظِرُ فَیَتَعَجَّبُ مِنْ هَذِهِ الْأَخْبَارِ الَّتِی رَوَاهَا الْقُمِّیُّونَ فِی یُونُسَ وَ لْیَعْلَمْ أَنَّهَا لَا تَصِحُّ فِی الْعَقْلِ وَ ذَلِکَ أَنَّ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی وَ عَلِیَّ بْنَ حَدِیدٍ قَدْ ذَکَرَ الْفَضْلَ مِنْ رُجُوعِهِمَا عَنِ الْوَقِیعَةِ فِی یُونُسَ، وَ لَعَلَّ هَذِهِ الرِّوَایَاتِ کَانَتْ مِنْ أَحْمَدَ قَبْلَ رُجُوعِهِ، وَ مِنْ عَلِیٍّ مُدَارَاةً لِأَصْحَابِهِ،

مرحوم سید بحر العلوم اینگونه می فرماید: هذا الکلام من الکشی- رحمه اللّه- و من الفضل فی الدفاع عن یونس اوضح شاهد علی الوثوق بعلی بن حدید، کأحمد بن محمد بن عیسی و لو کان علی ضعیفا او متهما، لما احتیج الی هذا الاعتذار، و هو ظاهر عند التأمل. بعد سید در ادامه به ذکر استدلالاتی برای اثبات وثاقت علی بن حدید می پردازند که در جلسۀ آینده آن را ذکر خواهیم کرد.

کلام حاجی نوری

مرحوم حاجی نوری به همین عبارت کشی (فلینظر الناظر) تمسک می کنند ولی تعبیر حاجی نوری مقداری فرق دارد ایشان می گویند: و یظهر منه: ان علیّ بن حدید کان من الفقهاء المبرزین الذین یزکی و یجرح بتزکیتهم و جرحهم، و لذا التجأ الکشی إلی توجیه کلامه فی یونس و أصحابه[[5]](#footnote-5). البته ظاهر روایت که به علی بن حدید ارجاع می دهد رجوع به صورت کلی است نه در خصوص مسألۀ مورد سؤال. بنابراین کلامی که ایشان در خاتمه مستدرک ذکر کرده اند مبنی بر اینکه فقط در این مسألۀ خاص حضرت ارجاع داده اند صحیح نمی باشد[[6]](#footnote-6).

نقد کلمات علماء

به نظر می رسد این استدلالات را نمی توان به عنوان دلیل ذکر کرد بلکه فقط به عنوان مؤید خوب است. چون ممکن است در عبارت فضل و کشی که تضعیف علی بن حدید را توجیه می کنند بحث سر این باشد که علی بن حدید و لو در ظاهر یونس را تضعیف می کرده است اما همانطور که فضل بن شاذان می گفته باطنا این تضعیف را قبول نداشته و به خاطر شرایط مجبور به تبری از یونس بوده است و این مطلب در واقع اشکال به تضعیف علی بن حدید است نه توجیه کلام علی بن حدید که بتوان از آن جلالت و بزرگی او را استفاده کرد. بنابراین این کلام دلیل بر این نیست که علی بن حدید را قبول داشته اند و در مقام توجیه کلام او بر آمده اند. کأنه علی بن حدید نمی خواسته اجازه دهد به این دلیل که بزرگ شدن یونس و اصحابش باعث می شده است که تفکرات یونس که قابل فهم برای خیلی نبوده است، منشأ فساد و انحراف در افراد باشد. و این توجیهی که ما از این کلام می کنیم یعنی اینکه بگوئیم این تضعیف علی بن حدید ظاهری بوده است و در واقع تضعیف نبوده است خیلی بهتر از کلام سید بحر العلوم است که گفته اگر قرار بود علی بن حدید آدم متهم و ضعیفی باشد این توجیه فضل و کشی جا نداشت. و اینکه بگوییم یونس اصلا مضعف نداشته است در رفع تهمت از او قوی تر از برداشت سید بحرالعلوم از کلام فضل و کشی است چون ممکن است شخص ضعیف هم تضعیف درست کند. لذا اگر بگوئیم این شخص ضعیف یعنی علی بن حدید هم تضعیف نکرده بهتر است. و این مطلبی که در فهم از کلام فضل و کشی در توجیه تضعیف ذکر کردیم مثل رفتار مرحوم آقای بروجردی در مخالفت با تشکیل کلاس های فلسفه است. ایشان مخالف با فلسفه به طور کلی نبوده اند و خود ایشان می گفتند که در کلاس فلسفه شرکت کرده ام ولی برگزاری درس عمومی فلسفه را به این دلیل که عموم طلاب توانائی فهم مطالب آن را نداشتند و باعث انحراف آن ها می شده است ممنوع کرده بوده اند. و ظاهرا اصل قضیه این بوده که در درس بعضی از اساتید ایشان بعضی منحرف شده بودند و این حساسیت از آنجا برای ایشان ایجاد شده بوده است. و در بحث علی بن حدید هم هیچ بعید نیست که به خاطر عناوین ثانویه علی بن حدید از نماز خواندن پشت یونس منع می کرده است و روایتی که امام(ع) برای تضعیف به علی بن حدید ارجاع می دهند و خود حضرت مستقیم جواب نمی دهند خیلی صاف نیست و معلوم نیست به عنوان اولیه باشد. البته مؤید بودن کلام فضل و کشی مبنی بر اینکه علی بن حدید هم مثل احمد بن محمد بن عیسی در یک موقعیت اجتماعی بالاست را منکر نیستیم.

نکته ای در مورد عبارت کشی

البته ممکن است نکته ای از این کلام کشی که «فلینظر الناظر فیتعجب من هذه الأخبار التی رواها القمّیون فی یونس و لیعلم انّها لا تصح فی العقل، و ذلک انّ أحمد بن محمّد بن عیسی و علی بن حدید قد ذکر الفضل رجوعهما عن الوقیعة فی یونس، و لعل هذه الروایات کانت من أحمد قبل رجوعه و من علی مداراة لأصحابه) برداشت شود؛ اینکه ایشان به روایت ذم یونس، یعنی روایت (آدم بن محمد القلانسی البلخی قال حدثنی علی بن محمد القمی قال حدثنی أحمد بن محمد بن عیسی القمی عن یعقوب بن یزید عن أبیه یزید بن حماد عن أبی الحسن (ع) قال قلت له أصلی خلف من لا أعرف؟ فقال لا تصل إلا خلف من تثق بدینه فقلت له أصلی خلف یونس و أصحابه؟ فقال یأبی ذلک علیکم علی بن حدید قلت آخذ بذلک فی قوله؟ قال: نعم قال فسألت علی بن حدید عن ذلک؟ فقال: لا تصل خلفه و لا خلف أصحابه[[7]](#footnote-7)) اعتماد کرده، آن را صحیح می داند و ذم

یونس را از آن استفاده کرده و در مقام توجیه آن برآمده است. بنابراین آدم بن محمد القلانسی و علی بن محمد را ثقه می دانسته است و همچنین از اعتمادی که به روایت علی بن محمد القتیبی کرده است وثاقت علی بن محمد استفاده می شود.

تفسیر یروی عن الضعفاء

البته شاید به این توثیق کشی اشکالی مطرح شود؛ اینکه در مورد کشی تعبیر یروی عن الضعفاء وارد شده است. بنابراین توثیق و اعتماد کشی به اشخاص فایده ندارد. در پاسخ به این اشکال باید گفت که در این تعبیر چهار احتمال می توان مطرح کرد که بنابر بعضی احتمالات اشکال وارد است اما بنابر بعض احتمالات وارد نیست. **احتمال اول**: این است که با وجودی که شخصی را ضعیف می داند از او روایت می کند. **احتمال دوم**: اینکه از کسی که واقعا ضعیف است روایت می کند بدون اینکه بداند ضعیف است و حتی او را ثقه می داند. و اینکه او را ثقه می داند یا به خاطر زود باوری اوست **احتمال سوم:** و یا اینکه به خاطر مبنای اصاله العداله است. و **احتمال چهارم:** هم این است که شخص را به خاطر مبنای اصاله العداله توثیق نمی کند اما حکم وثاقت را بر او جاری می داند. حال که احتمالات را ذکر کردیم به لازمۀ هر کدام از این احتمالات می پردازیم. اما اگر احتمال اول صحیح باشد یعنی با وجودی که علم به ضعیف بودن راوی دارد از او روایت می کند توثیقش مورد قبول است. و اگر احتمال دوم یعنی زود باور بودن صحیح باشد و به خاطر زود باور بودن افراد را توثیق می کند توثیقش مورد قبول نیست. و همچنین بنابر احتمال سوم که حکم به توثیق با اصاله العداله باشد توثیقش مقبول نیست به این دلیل که مبنای اصاله العداله صحیح نیست. و اما بنابر احتمال چهارم که حکم وثاقت را با اصاله العداله اثبات می کند و عمل به روایات شخص می کند توثیقش مقبول است. به نظر می رسد در مورد مرحوم کشی احتمال اول صحیح باشد از این جهت که در رجالش به ضعف یک دسته افراد مثل نصر بن صباح تصریح می کند[[8]](#footnote-8) ولی با این حال مکرر از آن ها روایت می کند. و علت این امر هم این بوده است که بنای کشی بر جمع آوری همۀ روایات مسأله است و لو از افراد ضعیف. و به این معنا کشی جامع نگار محسوب می شود برخلاف بعضی که صحیح نگار بو ده اند. همانطور که مرحوم شیخ طوسی در عده الاصول در جواب سید مرتضی که می گوید ما من قمی الا مجبر او مشبه و آن ها را متهم به این می کند که روایات باطل را نقل می کنند تصریح می کند که بعضی از اصحاب هستند که سعی بر نقل همۀ روایات دارند و نقل روایت به معنای پذیرش آن نیست. بنابراین توثیق مرحوم کشی در مورد آدم بن محمد و علی بن محمد مورد قبول است همانطور که علما هم به سایر توثیقات او عمل می کنند. و شاید این عمل به دلیل همین تفسیر از تعبیر یروی عن الضعفاء در مورد او باشد. جمع بندی و نتیجه گیری این بحث در جلسۀ بعد انجام می گیرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. روضه المتقین جلد 14 صفحه 392 [↑](#footnote-ref-1)
2. الرسائل الفقهیه للخواجوئی جلد 1 صفحه 389 [↑](#footnote-ref-2)
3. فوائد رجالیه صفحه 242 [↑](#footnote-ref-3)
4. الفوائد الرجالية (للسيد بحر العلوم)، ج، ص: 402 [↑](#footnote-ref-4)
5. خاتمه مستدرک جلد 5 صفحه 335 [↑](#footnote-ref-5)
6. البته حاجی نوری این استظهار را از ابوعلی در رجالش ذکر می کنند و خودشان این استظهار را مردود می دانند. خاتمة المستدرك، ج، ص: 336 [↑](#footnote-ref-6)
7. رجال‏الكشي ص : 496 [↑](#footnote-ref-7)
8. رجال الكشي - اختيار معرفة الرجال (مع تعليقات مير داماد الأسترآبادي)، ج‏2، ص: 613 [↑](#footnote-ref-8)